

مواجهه حاکمیت با پدیده مهاجرت

در این مرحله و برای پاسخ به چرایی وضعیت موجود، ما اولاً نیازمند شناخت پدیده‌ها و سپس سیاست‌ها هستیم تا بتوانیم به تحلیلی درست از وضعیت میدان برسیم. فهرست نهادهای متولی حوزه مهاجرین خود نشان دهنده این است که احتمالاً چه سیاست‌هایی وجود دارد: نهاد محوری، وزارت کشور و اداره اتباع است که متولی اصلی مسائل مهاجرین است. همچنین باید توجه داشت که اداره اتباع ذیل معاونت امنیتی وزارت کشور است. همچنین مایک شورای تصمیم‌گیری در زمینه مهاجرین داریم که چهار رکن اصلی دارد: «وزارت کشور»، «وزارت اطلاعات»، «وزارت امور خارجه» و «نیروی قدس سپاه» که اینها تعیین‌کننده‌های اصلی هستند.

• چهار سیاست نانوخته حوزه اتباع و مهاجرین

چهار سیاست اصلی به صورت خلاصه در حوزه مهاجرین از ابتدای انقلاب تا الان چه به صورت مصرح چه غیرمصرح مدنظر بوده است؛ البته مهم‌تر آن است که این سیاست‌ها عملیاتی شده و مبنای عمل قرار گرفته است.

اولین سیاست این است که همواره مبنای بازگشت مهاجرین بوده است؛ یعنی ما همچنان نمی‌خواهیم بپذیریم که مهاجرین قرار است در ایران بمانند. به همین دلیل -که مبنای بازگشت است- همه سیاست‌ها موقتی است! همه اختیارات، همه مجوزها و همه حقوق مهاجرین در ایران، موقتی است! دومین سیاست این بوده است که حضور مهاجرین یک مسأله امنیتی و تهدید بالقوه قلمداد می‌شده است. دو سیاست دیگر هم وجود داشته است که می‌توان آنها را ذیل همین دو سیاست تعریف کرد: سیاست سوم، محدودیت است؛ یعنی اصل بر محدود بودن مهاجرین است. به چه دلیل؟ به این دلیل که قرار است همه چیز موقتی باشد و قرار بر بازگشت مهاجرین است. چون اگر محدود نباشند، حس می‌کنند که می‌توانند بمانند؛ لذا نباید احساس کنند که می‌توانند بمانند و چهارمین مسأله هم سیاست پراکندگی است. تفرق هم یک دلیل محوری دارد و آن، امنیتی دیدن مهاجرین است.

البته ما در اینجا قصد نداریم همه این سیاست‌ها را رد یا تأیید کنیم. ما ممکن است از بسیاری مسائل امنیتی اطلاعی نداشته باشیم، ولی در هر صورت این سیاست‌ها مبنای عمل بوده و خوب تبعات متعددی را برای کشور به وجود آورده است.

تبعات منفی سیاست‌های حوزه مهاجرین

ما در این زمینه و با محوریت پیدا کردن این سیاست‌ها، هزینه‌های بسیاری را متحمل شده‌ایم. حالا من چند نمونه از تبعاتی را که این سیاست‌ها به وجود آورده است عرض خواهم کرد:

• بحران هویت

عدم پذیرش «هویت افغانستانی» برای مهاجرین، در نسل‌های جدید مهاجر منجر به «بحران هویت» شده است. ما در مواجهه با نسل جدید مهاجر، آشفته‌ترین وضعیت هویتی را با بخشی از فرزندان مهاجرین داریم که کاملاً از هویت ملی و قومی خود منقطع شده‌اند. وقتی با برخی از اینها صحبت می‌کنیم، حتی آداب و رسوم خودشان را هم بلد نیستند! یعنی انگار هیچ وابستگی هویتی‌ای به فرهنگ وطن خود ندارند. جوانانی که از غذای نالباس،

همواره مبنای
بازگشت مهاجرین
بوده است؛ یعنی
ما همچنان
نمی‌خواهیم
بپذیریم که
مهاجرین قرار
است در ایران
بمانند. به همین
دلیل همه
سیاست‌ها،
همه اختیارات،
همه مجوزها و همه
حقوق مهاجرین
در ایران، موقتی
است!